



# حرم منطقه آزاد

و

## قلب جهان اسلام

عباسعلی عمید زنجانی

«حرم» در لغت به معنی «سرزمین مقدس و مورد احترام» است و در فرهنگ فقه اسلام به منطقه خاصی که شامل شهر مکه و بخشی از اطراف آن است، اطلاق می‌شود. میزان قداست و احترام این سرزمین را در اسلام، از احکام ویژه‌ای که بر آن مقرر شده و نیز از خصایصی که دارا می‌باشد می‌توان به دست آورد.

### خصایص حرم

این سرزمین از ابتدا با یک سلسله خصایص و ممیزاتی معرفی شده که قداست و احترام خاصی را باعث شده است. بسیاری از این خصایص قبل از اسلام - در ادیان گذشته - نیز مورد اهتمام قرار گرفته است. در این مقال کوتاه می‌توان به چند مورد از این خصایص اشاره نمود:

۱ - حرم نخستین مرکز توحید و اولین سرزمینی است که منادیان الهی توحید، تفکر توحیدی ناب را در آن سرزمین بنیاد نهاده و ندای آن را برای انسانها سرداده‌اند.<sup>۱</sup> به این لحاظ، جهان اسلام باید حرم را پایگاه اصلی تفکر توحیدی خالص بدانند و در همه ادوار تاریخ بویژه در تحولاتی که در جهت استقرار حاکمیت توحید انجام می‌پذیرد، این جایگاه رفیع و مقدس را برای حرم از یاد نبرند و بدان به عنوان قلب الهام‌بخش توحید ناب جهان اسلام بنگرند و چنین نقش سازنده‌ای را به آن بازگردانند.

۲ - این سرزمین، حرم ابراهیم بنیانگذار مکتب رهائی بخش توحید است و اختصاص این سرزمین به ابراهیم آنطور که از برخی از روایات<sup>۲</sup> به دست می‌آید، قداست و احترام خاصی را در مورد آن برمی‌انگیزد که در حقیقت هر نوع تقدیس و احترام این حرم، خود نوعی تعظیم شخصیت این پیامبر بزرگ الهی توحید و احترام از مکتب رهائی بخش او محسوب می‌گردد.

۳ - حرم به لحاظ شهر مکه نیز که از قداست خاصی برخوردار است و در نصوص اسلامی اعم از قرآن و سنت بر بزرگداشت این شهر تأکید شده است<sup>۳</sup> دارای عظمت و قداست ویژه‌ای است که شهر مکه را در خود جای داده است.

۴ - مسجدالحرام با تمامی عظمت و احترامی که در اسلام دارد، در این سرزمین (حرم) قرار گرفته است در این مورد کافی است به اهمیت و نقشی که مسجدالحرام در قرآن و شریعت اسلام دارد<sup>۴</sup> توجه کافی مبذول گردد و از این نقطه نظر نیز موقعیت حرم بررسی و مورد مطالعه قرار گیرد. تمامی دلها رو به سمت مسجدالحرام است: «قَوْلٌ وَجَهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ»<sup>۵</sup> و مسجدالحرام مبدأ معراج پیامبر است.<sup>۶</sup> مسجدالحرامی که: «جعلناه للناس سواء العاكف فيه والباد»<sup>۷</sup> است و پاکسازی و سالم‌سازی محیط آن برای عبادت مورد تأکید قرار گرفته و در میان مساجد از ویژگی و امتیاز خاصی برخوردار گردیده است.

۵ - حرم شامل کعبه و بیت‌الله الحرام است و از این نقطه نظر نیز امتیاز و اهمیت و احترام فوق‌العاده‌ای را کسب نموده است؛ کعبه‌ای که: «جعل الله البيت الحرام قیاماً

للناس»<sup>۸</sup> است و در حدیث آمده است: «ما خلق الله بقعة أحب إليه من الكعبة».

۶- فلسفه احرام در حج و عمره، مراعات احترام خاص حرم است.<sup>۹</sup>

۷- کسی که در حرم دفن شود در حریم رحمت الهی قرار خواهد گرفت (من دفن

فی الحرم امن من الفرع الاکبر من بر الناس و فاجرهم).<sup>۱۰</sup>

### احکام ویژه حرم

با توجه به اهمیت و احترام خاصی که حرم از نقطه نظرهای مختلف حائز آن است؛ در فقه اسلامی دارای احکام ویژه‌ای است که برخی از آنها را به اشاره در اینجا می‌آوریم:

۱- این منطقه به عنوان سرزمین امنیت معرفی شده: «اولم نمکن لهم حرماً امناً»<sup>۱۱</sup> و کشتن حیوانات (غیر اهلی) در این منطقه ممنوع است و در فقه برای مرتکبین آن مجازاتهای خاصی مقرر شده است. (من دخله من الوحش والطیرکان امناً من ان یهاج او یوذی حتی یخرج).

۲- به دلیل منطقه امن بودن حرم (اولم یرونا جعلناه حرماً امناً)<sup>۱۲</sup> هر فرد مسلمان تا هنگامی که در این منطقه زندگی می‌کند از مصونیت جانی برخوردار است، (من دخل الحرم من الناس مستجیراً به فهو آمن من سخط الله عزوجل).

۳- در این منطقه جنگ و خونریزی ممنوع است.

۴- ورود به حرم باید با تشریفات خاصی انجام گیرد که از آن به احرام تعبیر می‌شود و دارای احکام خاصی می‌باشد.

۵- افراد غیر مسلمان حق سکونت در منطقه حرم را ندارند و بسیاری از فقها ورود غیرمسلمانان را به این منطقه چه به عنوان اقامت و چه برای عبور ممنوع دانسته‌اند.<sup>۱۳</sup>

این حکم شامل سفرا و نمایندگیهای خارجی و افراد غیرمسلمانی که حامل پیام

می‌باشند و نیز هیأت‌هایی که برای عقد قرارداد قصد ورود به منطقه حرم را دارند نیز می‌گردد و از اینرو در چنین مواردی می‌توانند برای انجام مقاصد خود از افراد مسلمان استفاده نمایند و یا در خارج حرم با پیشوای مسلمین و نمایندگان رسمی وی ملاقات کنند.<sup>۱۴</sup>

براساس این قانون اقلیتهای مذهبی متعهد (اهل ذمه) نیز از اقامت در این منطقه محروم می‌باشند و برای عبور نیز باید اجازه رسمی کسب نمایند و دولت اسلامی می‌تواند طی قراردادی در ازای این اجازه، مقررات مالی وضع نماید.<sup>۱۵</sup>

۶- کندن درختان و ریشه گیاهان حرم ممنوع است و همچنین بریدن شاخه‌ها. در این مورد فقها مجازاتهای مالی خاصی را مقرر نموده‌اند<sup>۱۶</sup> و حکم مصونیت درختان و گیاهان حرم را در باره محرم و افراد عادی نیز نافذ شمرده‌اند.<sup>۱۷</sup>

۷- تردد مسلحانه در منطقه حرم ممنوع می‌باشد، (لا تخرجوا بالسیوف الی الحرم).<sup>۱۸</sup>

۸- از سکونت کسانی که عامل فساد و الحاد هستند در منطقه حرم جلوگیری می‌شود و با آنها به خشونت رفتار می‌شود، (من یرد فیه بالحاد بظلم نذقه من عذاب الیم). منظور از کسانی که در حرم قصد الحاد به ظلم دارند آنهایی هستند که قصد ارتکاب اعمالی چون سرقت، ستمگری، تجاوز به حقوق مردم و هر نوع ظلم داشته باشند که از اقامت آنها در حرم جلوگیری می‌شود، (یتقی ان یسکن الحرم).<sup>۱۹</sup>

۹- اشیائی که در حرم پیدا می‌شود حکم خاصی دارد<sup>۲۰</sup> و اصولاً از دست زدن به اشیاء گمشده حرم، منع شده است، (لا تمس ابداً حتی یجیء صاحبها).<sup>۲۱</sup>

۱۰- کسی که در خارج حرم مرتکب جنایتی شود و سپس به حرم پناهنده گردد تا در حرم است از اجرای حد، معاف می‌باشد، لیکن برای چنین کسی محدودیتهائی ایجاد می‌گردد تا ناگزیر از حرم خارج گردد و حد بر وی جاری شود. اما کسانی که در حرم مرتکب جنایتی شوند، به دلیل اینکه خود احترام حرم را نادیده گرفته‌اند از مصونیت حرم محروم می‌شوند و بر آنها حد جاری می‌گردد.<sup>۲۲</sup>

۱۱ - نماز در حرمین برای مسافر اختیاری است که تمام بخواند یا قصر و این حکم گرچه اختصاص به مسجدالحرام دارد ولی جمعی از فقها این حکم را در مورد شهر مکه نیز قائل شده‌اند که حتی اگر مسافر در حال عبور از شهر مکه باشد می‌تواند نماز خود را تمام بخواند.

۱۲ - به استناد آیه ۲۵ سوره حج: «جعل الله للناس سواء العاكف فيه والباد» بسیاری از فقهای اهل تسنن از آن جمله عبدالله بن عمر خرید و فروش خانه‌های مکه را حرام شمرده و اجاره دادن و مال الاجاره آن را نامشروع دانسته‌اند. دارقطنی در این زمینه حدیثی از عبدالله بن عمر نقل کرده است که:

«من اكل كراء بيوت مكة اكل ناراً» «کسی که مال الإجارة خانه‌های مکه را بخورد چنان است که آتشی خورده است».

احمد بن حنبل گفته است خانه‌های مکه را می‌توان تملک کرد و به ارث برد ولی نمی‌توان آنها را اجاره داد. در این زمینه حدیثی از پیامبر - ص - نقل شده که فرمود: «من احتاج سكن و من استغنى اسكن»، «کسی که به خانه مکه احتیاج دارد در آن سکونت می‌گزیند و کسی که نسبت به آن بی‌نیاز است دیگری در آن خانه اسکان داده می‌شود».<sup>۲۳</sup>

در احادیث شیعه نیز آمده است که: «انه (علی - علیه السلام) کره اجارة بيوت مكة و قرء سواء العاكف فيه و الباد».<sup>۲۴</sup>

«علی - علیه السلام - اجاره دادن خانه‌های مکه را بد می‌شمرد و به این آیه استناد می‌نمود».

و در حدیث دیگر از امیرالمؤمنین علی - علیه السلام - فرمود: «ان رسول الله - ص - نهی اهل مكة عن اجارة بيوتهم و ان تعلقوا عليها ابوابا».<sup>۲۵</sup>

«رسول خدا - ص - مردم مکه را از اجاره دادن خانه‌هایشان به کسانی که برای زیارت بیت‌الله الحرام می‌آمدند نهی نمود و آنها را از گذاردن در، بر خانه‌های خود منع فرمود».

در رساله علی بن جعفر به نقل از برادر بزرگوارش امام موسی بن جعفر آمده است: «لیس ینبغی لأحد من اهل مکة ان یمنع الحاج شیئاً من الدورینز لونها»<sup>۲۶</sup> «شایسته نیست کسی از اهل مکة، حجاج را از سکونت گزیدن در خانه‌های مکة مانع شود».

### حرم از آن همهٔ مسلمین است

بسیاری از مفسرین در تفسیر آیه: «ان الذین کفروا و یصدون عن سبیل الله والمسجد الحرام الذی جعلناه للناس سواء العاکف فیه و الباد و من یرد فیه بالحاد بظلم نذقه من عذاب الیم»<sup>۲۷</sup> حکم همگانی بودن را که در آیه، به مسجد الحرام نسبت داده شده بر همهٔ منطقهٔ حرم شامل دانسته‌اند؛<sup>۲۸</sup> زیرا مشرکین نه تنها از مسجد الحرام بلکه پیامبر - ص - و مسلمین را از ورود به حرم منع می‌نمودند و نیز با وجود اینکه پیامبر - ص - از مکة و از خانه خود به معراج رفت.

در سورهٔ اسراء آمده است: «سبحان الذی اسرى بعبده لیلاً من المسجد الحرام» و اطلاق مسجد الحرام به همهٔ منطقهٔ حرم به لحاظ جزء اشراف آن می‌باشد. مفهوم همگانی بودن مسجد الحرام یا منطقهٔ حرم، این است که در نگهداشتن حرمت و قداست این سرزمین و انجام مناسک حج و عمره فرقی بین ساکنان آن و کسانی که از خارج به این سرزمین وارد می‌شوند وجود ندارد و اهل این منطقه هیچگونه خصوصیتی را دارا نیستند.

احترام حرم و عبادت و مناسک آن حق عمومی مسلمین است و هر نوع ایجاد مزاحمت و ممانعت در این راه تجاوز به حقوق همگانی مسلمین جهان محسوب می‌گردد و نوعی الحاد و ظلم است که مرتکبین آن باید با شدیدترین مجازات تنبیه شوند (نذقه من عذاب الیم).

دنبالهٔ آیه: «و من یرد فیه بالحاد بظلم» در حقیقت بیان جزای صدر آیه است؛ به

این معنا که اگر کسی این حق همگانی مردم را مورد تجاوز قرار دهد، نوعی الحاد و از روی ستمگری است و عذاب الیم جزای او است.<sup>۲۹</sup>

مفهوم این سخن آن است که قدسیت و تعظیم و معنویت حرم چیزی نیست که در انحصار فرد یا گروه خاصی قرار گیرد؛ بلکه این سخن که حقیقت عبادت حج و عمره است متعلق به جهان اسلام بوده و همهٔ مسلمین بطور یکسان از این حق برخوردار می‌باشند.

و بالاخره مفاد آیه چنین است که: پاسدار حرم و حامی قدسیت آن و خادم این معبد و پیا دارنده احترام این سرزمین، همه کسانی هستند که حق عبادت در آن را دارند؛ بنابراین اصل قرآنی حرم باید تحت نظارت و مراقبت معنوی نمایندگان واقعی ملل مسلمان جهان اداره شود و شؤون روحانی و عبادی حرم برعهده هیئت نمایندگی جهان اسلام باشد.

#### منطقه بین الملل اسلامی

تردیدی نیست که مفهوم: «الذی جعله للناس» بیرون آوردن حرم از انحصار یک گروه یا یک مذهب خاص است، همانطوری که مفهوم: «سواء العاکف فیہ و الباد» برابری انسانهای موحد و عبادتگذار خدا در این سرزمین، به لحاظ انجام مناسک عبادی است و این نوع آزادی، خواه ناخواه شامل کلیهٔ اعتقادات و دیدگاههایی می‌شود که در چهارچوب اصول اسلامی و قرآنی در میان مسلمانان وجود دارد.

بنابراین اصل، هرگاه عبادت مسلمین در حرم و مسجدالحرام در چهارچوب اصول یک مذهب و یک دیدگاه منحصر گردد و دیدگاهها و عقاید دیگر مسلمین، کنترل و محدود شود، و آزادی عمل در عبادت، از غیر پیروان مذهب انحصاری گروه حاکم، سلب گردد، در حقیقت مصداق دیگری از آیه: «و من یرد بالحاد بظلم نذقه من عذاب الیم» خواهد بود.

امروز عاکفین در این سرزمین عبادت و توحید اعتقاد و دیدگاه خاصی دارند و

اصول و فروع اسلام را در چهارچوب معینی تفسیر می‌کنند ولی آنها که از خارج این سرزمین برای عبادت می‌آیند (الباد) برداشتی دیگر از اسلام دارند. در چنین شرایطی حکم صریح قرآن چیست.

قرآن بر خلاف مذهب وهابیت - که واردین را مجبور به رعایت مذهب عاکفین می‌کند و آزادی عبادت را از آنان در زمینه اعتقادات خود سلب می‌نماید - بطور صریح می‌گوید: «سواء العاکف فیه و الباد».

#### حرم سرزمین آزاد اسلامی

به اعتقاد بسیاری از علمای اسلام «منطقه حرم»، سرزمین آزاد است و برای هر واردی جایز است هر کجای حرم که خواست منزل گزینند و صاحب خانه موظف است او را جای دهد چه بخواد و چه نخواهد.<sup>۳۰</sup>

در صدر اسلام خانه‌های شهر مکه همواره به روی زائران باز بود و خانه‌ها بدون در بود و صحابه از اینکه عده‌ای از مردم مکه به خاطر سرقت‌ها مجبور شدند برای خانه‌های خود درب بگذارند، ابراز ناخشنودی می‌نمودند و می‌گفتند: «آیا خانه‌های خود را به روی حجاج می‌بندید؟»<sup>۳۱</sup>

خلفا در زمان حج دستور می‌دادند درهای خانه‌های شهر مکه را از جای برکنند تا خانه‌ها به روی حجاج باز باشد به همین دلیل فقهای اسلامی در مورد سرزمین حرم به لحاظ قابل تملک بودن آن سه نظریه ابراز نموده‌اند:

۱ - سرزمین حرم و مکه قابل تملک نیست و حرم منطقه آزاد اسلامی است و سکونت در آن برای عموم مسلمین آزاد می‌باشد و در نتیجه نه ارث برده می‌شود و نه اجاره داده می‌شود نه قابل فروش است.

۲ - قابل تملک است، به ارث تملک می‌شود و قابل بیع نیز می‌باشد ولی در ازای اسکان زوار بیت‌الله الحرام کسی نمی‌تواند مال الاجاره‌ای دریافت نماید.

۳ - از اموال عمومی است و در اختیار دولت اسلامی (امام) قرار دارد و هر نوع



تصرّف در این سرزمین باید براساس مصالح جهان اسلام به صلاحدید امام مسلمین انجام گیرد.

منشأ این اختلاف فقهی آن است که شهر مکه مفتوح العنوه است یا سرزمین صلح محسوب می‌گردد، جمعی از فقها مانند مالک و ابوحنفیه و اوزاعی سرزمین مکه را مفتوح العنوه می‌دانند که پیامبر - ص - پس از فتح مکه این سرزمین را تقسیم نمود و آن را به حال خود گذاشت تا اهل مکه و کسانی که بعداً در آن سرزمین سکونت می‌کنند استفاده نمایند. بنابراین رأی، سرزمین مکه قابل فروش و اجاره نیست، هرکس به آن وارد شود می‌تواند از آن برای سکونت خویش استفاده کند و هرکس سبقت بجوید از اولویت برخوردار خواهد بود.

به اعتقاد شافعی: مکه از اراضی صلح است و پیامبر - ص - با تهدید و اعلان جنگ، وارد حرم شد و گفتار تاریخی آن حضرت که فرمود: «من اغلق بابہ فھو امن و من دخل دارابی سفیان فھو امن» نشانگر آن بود که مردم مکه نه از روی صلح بلکه از روی قهر تسلیم شدند ولی برخی به استناد تسلیم مردم مکه، آن را ارض صلح نامیده‌اند.

در حدیث علقمة بن نضله آمده است که: «کانت تدعی بیوت مکه علی عهد رسول الله - ص - السوائب لاتباع من احتاج سکن و من استغنی اسکن».<sup>۳۲</sup>

و در حدیث عبدالله بن عمر نیز آمده است: «قال رسول الله - ص - ان الله حرم مكة فحرام بیع رباعها و اکل ثمنها - و من اکل من اجر بیوت مکه شیئاً فانما یا کل ناراً».<sup>۳۳</sup>

در حدیث دارقطنی از عبدالله بن عمر آمده است: «قال رسول الله - ص - مکه مناخ الاتباع رباعها ولا تواجر بیوتها».<sup>۳۴</sup>

مبتنی کردن مسأله آزاد بودن سرزمین حرم به تشخیص مفتوح العنوه بودن و یا ارض صلح بودن آن از دو نظر قابل مناقشه است:

۱ - عناوینی چون مفتوح العنوه که دارای احکام خاص فقهی است با نقل تاریخی ثابت نمی‌شود؛ زیرا از یکسو اینگونه مسائل معمولاً مورد اختلاف مورخین است و از سوی دیگر در نقلهای تاریخی اتقان و اعتبار شرعی لازم وجود ندارد.<sup>۳۵</sup>

۲- روایات و متونی که در باره رباغ مکه و بیوت حرم نقل شده هیچ‌گونه دلیل و قرینه‌ای در آنها دیده نمی‌شود که ممنوعیت بیع و اجاره آنها به دلیل مفتوح‌العنوه بودن باشد، شاید - به احتمال قوی - نظر به مفاد آیه «سواء العاکف فیہ والباد» چنین سیره‌ای در زمان پیامبر - ص - و خلفا در مورد حرم معمول بوده است.

لیکن برخی از فقها حکم آیه را مبنی بر مساوی بودن اهل مکه و زائرین براساس مفتوح‌العنوه بودن آن در زمان رسول خدا دانسته‌اند<sup>۳۶</sup> و بنابراین نظریه، حکم آیه قانون علی‌حده و جدا از حکم مفتوح‌العنوه نیست.

به اعتقاد فقهای شیعه، در صورت مفتوح‌العنوه بودن مکه، تملک و خرید و فروش آن ممنوع می‌شود و هر متصرفی می‌تواند مادام که در آن زندگی می‌کند به تعمیر و تجدید بنای آن اقدام نماید.<sup>۳۷</sup>

شیخ طوسی در کتاب شریف الخلاف، دلالت آیه را بر عدم جواز بیع و اجاره خانه‌های مکه، مورد تأیید قرار می‌دهد و می‌گوید مراد از «مسجدالحرام» در آیه، همه منطقه حرم است و در این مورد به آیه اول سوره اسراء (سبحان الذین اسری بعبده لیلاً من المسجدالحرام) استدلال می‌کند که با وجود آغاز معراج پیامبر - ص - از خانه خدیجه و یا شعب ابی‌طالب، در این آیه به آن مکان، «مسجدالحرام» اطلاق شده است.<sup>۳۸</sup>

در صحیح‌ه حسین بن ابی‌العلاء نیز از امام صادق - علیه‌السلام - آمده است: معاویه اولین کسی است که برخانه‌اش در مکه درب نصب نمود و حجاج را از ورود به خانه‌اش منع کرد، تا آنکه این آیه نازل شد: «سواء العاکف فیہ والباد» و رسم در بین مردم چنان بود که وقتی به مکه می‌آمدند بر حاضرین وارد می‌شدند و تا پایان حج از امکانات سکنای آنها بهره می‌بردند.<sup>۳۹</sup>

فرمان علی - علیه‌السلام -

در عصر خلافت امام، کارگزار آن حضرت در مکه قثم بن عباس بود که مسؤولیت اداره این مرکز را از جانب امام برعهده داشت در یکی از دستورات عملهای

حکومتی که از طرف امام به نام حاکم مکه صادر شد، از قثم بن عباس خواسته شده بود که مردم مکه را وادار کند که از کسانی که در مکه سکونت می‌کنند اجاره بهایی دریافت نمایند. امام در این فرمان به آیه: «سواء العاکف فیه و الباد» استناد کرده بود و برای رفع هرگونه بهانه و شبهه‌ای دو واژه «عاکف» و «باد» را نیز تفسیر نموده بود: عاکف کسی است که در مکه اقامت گزیده است و بادی کسی است که برای به جا آوردن حج به مکه آمده و از اهالی مکه محسوب نمی‌شود.<sup>۴۰</sup>

این فرمان که در رابطه با مسأله حج و اقامه این فریضه بزرگ سیاسی - عبادی صادر شده و با جمله: «اما بعد فاقم للناس الحج و ذکرهم بایام الله» آغاز گردید، نشانگر اهمیت مسأله حرم و شهر مکه و رابطه آن با اقامه صحیح حج می‌باشد.

آزادسازی و بین‌المللی اسلامی کردن حرم و شهر مکه تنها از بعد مالکیت‌پذیری این سرزمین و یا از دید اقتصادی حائز اهمیت نیست و بی‌شک این فرمان که از متن قرآن برخاسته است به این منظور نبوده است که حجاج و زائران بیت‌الله‌الحرام با پرداخت اجاره‌بها در تنگنای اقتصادی قرار نگیرند؛ بلکه روح این فرمان آن است که این منطقه به دلیل محض بودن برای عبادت و قدسیت حج و از هر نوع اعمال فشارها و تحمیلها و ایجاد تنگناها بدور ماندن به عنوان «للناس» و همگانی اعلام گردیده و اختصاصات دیگر که نوعی سلب آزادی در عمل و اقامه حج است الغاشده است.

پاورقی‌ها:

- ۱ - وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۳۳۴.
- ۲ - حدیث عبدالله بن زید: ان ابراهیم حرم مکه و دعی لها و انی حرمت المدینة و روایة ابن زبالة: حرم ابراهیم مکه و حرمی المدینة.
- ۳ - بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۷۵.
- ۴ - به روایات مربوط به اهمیت و نقش مسجدالحرام در وسائل الشیعه، ج ۳ و ج ۵ مراجعه شود و نیز ج ۹

صفحة ٣ (حرم المسجد لعلة الكعبة و حرم الحرام لعلة المسجد).

- ٥ - بقره: ١٤٦ .
- ٦ - اسراء: ١ .
- ٧ - حج: ٢٥ .
- ٨ - مائدة: ٩٧ .
- ٩ - وسائل الشيعة ج ٩ ، ص ٣ .
- ١٠ - همان مأخذ ص ٣٨١ .
- ١١ - قصص آيه ٥٧ ، وسائل الشيعة، ج ٩ ، ص ١٧٦ و ٢٠٢ .
- ١٢ - عنكبوت آيه ٦٧ ، وسائل الشيعة ج ٩ ، ص ١٧٦ و ٢٠٢ .
- ١٣ - مسالك مرحوم شهيد ثاني: و اما الحرم فلا يجوز لهم دخوله مطلقاً .
- ١٤ - المبسوط، ج ٢ ، ص ٤٨ .
- ١٥ - حقوق اقليتها صفحه ١٧٥ .
- ١٦ و ١٧ - تحرير الوسيله ج ١ ، صفحه ٤١١ ، وسائل الشيعة، ج ٩ ، ص ١٧٢ .
- ١٨ - وسائل الشيعة، ج ٩ ، ص ٣٥٩ ، حديث ٣ .
- ١٩ - وسائل الشيعة، ج ٩ ، ص ٣٤١ .
- ٢٠ - تحرير الوسيله ج ٢ ، ص ٢٢٥ .
- ٢١ - وسائل الشيعة، ج ٩ ، ص ٣٦١ .
- ٢٢ - همان مأخذ، ج ١٨ ، ص ٣٤٦ .
- ٢٣ - الجامع لاحكام القرآن، ج ١١ ، ص ٣٢ .
- ٢٤ - تفسير البرهان، ج ٣ ، ص ٨٤ ، حديث ٧ .
- ٢٥ - همان مأخذ، حديث ٨ .
- ٢٦ - همان مأخذ، حديث ٩ .
- ٢٧ - حج: ٢٥ .
- ٢٨ - تفسير الجامع لاحكام القرآن، ج ١٢ ، ص ٣٢ ، تفسير تبيان، ج ٧ ، ص ٣٠٥ ، زبدة البيان، ص ٢٢١ ، فقه القرآن، ج ١ ، ص ٣١٨ .
- ٢٩ - تفسير الميزان، ج ١٤ ، ص ٤٠٢ .
- ٣٠ - تفسير الجامع لاحكام القرآن، ج ١١ ، ص ٣٢ .
- ٣١ - همان مأخذ .
- ٣٢ - الجامع لاحكام القرآن، ج ١١ ، ص ٣٣ .
- ٣٣ و ٣٤ - همان مأخذ ، جامع الصغير سيوطي ، ج ٦ ، ص ٣ و بيهقي ، ج ٦ ، ص ٣٥ .

- ۳۵- کتاب البیع ، حضرت امام - رضوان الله تعالى عليه - ج ۳، ص ۷۲ .
- ۳۶- زبدةالبيان لاحكام القرآن صفحه ۲۲۱ .
- ۳۷- همان مأخذ.
- ۳۸- به نقل از مسالك الافهام الى آيات الاحكام، ج ۲، ص ۲۸۷ .
- ۳۹- اصول کافی، ج ۱، ص ۲۳۲ . مرآت العقول، ج ۳، ص ۲۶۶ . تهذيب، ج ۵، ص ۴۶۳ .
- ۴۰- نهج البلاغه، نامه ۶۷ . (مراهل مکه ألا ياخذوا من ساکن اجراً فان الله سبحانه يقول: «سواء العاکف فيه و الباد»، فالعاکف: المقيم به والبادی: الذي یحجّ اليه من غير اهله و قفنا الله و اياکم لمحابه والسلام).

